

شیوه‌های اصلاح رفتار کودکان و نوجوانان در فرهنگ اهل بیت(ع)

<?xml encoding="UTF-8">

شیوه‌های اصلاح رفتار کودکان و نوجوانان در فرهنگ اهل بیت(ع)

حجة الاسلام عبدالکریم پاک‌نیا

از اساسی‌ترین وظایف والدین و مربیان در امر تربیت و تعلیم که از حساسترین و ظریف‌ترین کارهائی است که آنان به عهده گرفته‌اند برخورد شایسته در مواجهه با لغزش‌ها و خطاهای کودکان و نوجوانان و اصلاح و تغییر رفتار نادرست آنان است. چرا که اگر این امر به غیر از کانال عقلانیت و شیوه‌های صحیح انجام شود چه بسا که ضربات جبران ناپذیری بر روحیات متربی خواهد گذاشت و در نتیجه مربی در امر تربیت ناکام خواهد ماند. شخصی می‌گفت: من در دوران کودکی در یکی از مساجد مرتکب خطائی کودکانه شدم متولّی مسجد چنان برخورد خشن و ناشایستی با من کرد که بعد از چهل سال هنوز تلخی آن بر ذائقه‌ام سنگینی می‌کند و من به همین خاطر بهترین سالهای جوانی را به آن مکان مقدس نرفتم. این بخاطر همان شیوه نادرست برخورد با خطای کودکان و نوجوانان است.

در مقابل خاطره‌ای هم از مرحوم حاج آخوند ملاعباس تربتی در همین زمینه بخوانیم: استاد علی قندهاری می‌گوید: من از همان دوران نوجوانی شیفته حاج آخوند شدم. شبی در منزل ایشان مجلسی بود و چراغی بر سر در خانه آویزان کرده بودند. من و چند تن از نوجوانان کم سن و سال محله بر سبیل بازی و به اقتضای شور و شر نوجوانی مرتباً وارد دالان خانه می‌شدیم و سنگ می‌زدیم و فریاد می‌کشیدیم و در راهم می‌کوبیدیم و اهل خانه را عاصی کرده بودیم. شاید چراغ را هم شکسته بودیم. در یکی از دفعات ناگهان پیرمردی (حاج آخوند) از تاریکی دالان بیرون آمد و دست ما را گرفت و در حالی که علی‌رغم انتظار با مهربانی احوال ما را می‌پرسید به کسانی که در داخل منزل بودند رو کرد و گفت: این فرزندان من خیلی بازی کرده‌اند و خسته شده‌اند حتماً گرسنه هم هستند از آنها پذیرائی کنید که مهمان مایند. (1)

همچنانکه ملاحظه می‌شود رفتار شایسته با لغزش‌های يك نوجوان او را تا آخر عمر شیفته حاج آخوند تربتی کرده و شخصیت او را از همان نوجوانی تحت تأثیر شدید قرار داده است.

رفتار اصلاح گرایانه آن مرد الهی برگرفته از آموزه‌های تربیتی اهل بیت(ع) است. آنجا که علی(ع) از فرزندش امام حسن(ع) پرسید: فرزندم راه جلوگیری از لغزش‌ها چگونه است؟ امام مجتبی(ع) پاسخ داد: بدی‌ها را با نیکی از میان برداشتن. (2) با توجه به این حدیث در مقابله با لغزش‌ها و رفتارهای ناپسند کودکان باید از روش‌های صحیح استفاده نمود. مثلاً پرخاشگری يك کودک را نمی‌توان با خشونت اصلاح کرد یا مثلاً رفتارهای نادرست همانند: فرار از مسئولیت، دزدی، تقلب، ناسازگاری با دیگران، حسادت، دروغگوئی، کم رویی، خیالبافی، ترس، اضطراب و... دهها رفتار نامطلوب دیگر ممکن است در کودکان و نوجوانان مشاهده شود که می‌توان راههای نتیجه بخشی را با توجه به آموزه‌های اهل بیت(ع) در پیش گرفت.

بنابراین اگر ما از شیوه‌های صحیح تربیتی در موارد خطاها و لغزشهای کودکان و نوجوانان بهره گیریم می‌توانیم آنگونه که می‌خواهیم فرزندانمان را تربیت کنیم.

در این نوشتار سعی شده برخی از این شیوه‌های اصلاح رفتار در پرتو سیره و سخن اهل بیت(ع) به والدین و

مربیان گرامی عرضه شود.

1- توجه به ریشه‌ها و عوامل ناهنجاری

والدین وظیفه شناس به خوبی آگاهند که هر معلولی علتی دارد و هر رفتار ناهنجاری که از فرزندان سر می‌زند، دارای ریشه و زمینه خاصی است. اگر بخواهیم معلولی را تغییر دهیم و رفتاری را عوض کنیم باید به علل و زمینه‌های آن توجه کرد و ریشه‌ها و زمینه‌ها را از بین برد. مثلاً در ریشه‌های عصبانیت افراد، باید به پیش زمینه‌ها توجه کرد. گرسنگی، تشنگی، نگرانی، ترس و دهها عامل دیگر ممکن است در بدخلقی و تندخویی تأثیر داشته باشد. ابن شهر آشوب می‌نویسد: روزی مردی شامی به مدینه آمده و هنگامی که با امام حسن مجتبی(ع) برخورد کرد بلافاصله شروع به لعن و نفرین به امام کرده و سخنان ناشایستی را به امام نثار کرد. حضرت در مقابل سخنان درشت وی سکوت کرد هنگامی که آن مرد عقده دلش را خالی نمود و خاموش شد امام با لبخندی ملیح و با لحنی آرام فرمود: ای مرد! گمان می‌کنم که در این شهر غریب باشی و شاید هم مرا به اشتباه گرفته‌ای؟ حال اگر از ما رضایت بطلبی از تو راضی می‌شویم، اگر از ما چیزی بخواهی به تو می‌بخشیم، اگر راه گم کرده‌ای راهنمایی می‌کنیم، اگر گرسنه‌ای تو را سیر می‌کنیم، اگر لباس نداری تو را می‌پوشانیم، اگر نیازمندی ترا غنی می‌سازیم، اگر از جائی رانده شده و یا فراری هستی تو را پناه می‌دهیم، اگر خواسته‌ای داری برمی‌آوریم، اگر توشه سفر را پیش ما آوری و مهمان ما باشی برای تو بهتر است و تا هنگام رفتن از تو پذیرایی می‌کنیم چون که خانه ما وسیع و امکانات مهمان نوازی ما فراهم است. آن مرد وقتی این برخورد کریمانه را از امام مشاهده کرد آثار شرم و حیا بر صورتش ظاهر شد و گفت: تا این لحظه شما و پدرتان منفورترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون شما را محبوبترین فرد روی زمین می‌دانم. (3)

امام حسن(ع) در این ماجرا با دید تربیتی و روانشناختی به بررسی ابعاد قضیه می‌پردازد و علت عصبان و نارضایتی و تمرد آن فرد را جستجو می‌کند چرا که ممکن است: گرسنگی، تشنگی، برهنگی و نداشتن پوشاک مناسب، نیازمندی و فقر، خستگی، نداشتن امنیت، سردرگمی و از همه مهمتر احساس از دست رفتن شخصیت و نابودی عزت و هویت افراد و... علت پرخاشگری و تمرد و فریادهای مخالف باشد. هنگامی که مهمان به خانه می‌آید کودک از اوقات دیگر بیشتر شلوغ می‌کند و حرکات ناهنجار و ناشایست انجام می‌دهد، اگر کمی دقت شود علت واقعی این رفتار به شخصیت کودک برمی‌گردد. او وقتی احساس می‌کند پدر و مادر در آن لحظات تمام افکارشان به مهمان و پذیرائی از او صرف می‌شود و شخصیت و عزت نفس خود را در معرض خطر احساس می‌نماید برای همین می‌خواهد کمبود شخصیتش را جبران کند و توجه دیگران را به خود معطوف دارد. حضرت امام مجتبی(ع) در گفتاری حکیمانه با اشاره به ریشه لغزش‌ها و رفتارهای غلط افراد می‌فرماید: هلاك النَّاسِ في ثلاثٍ: الكبر و الحرص و الحسد؛ ریشه انحراف و گناهان که مردم را به نابودی می‌کشاند سه چیز است: غرور و خودخواهی، حرص و طمع، حسد. (4)

برای آگاهی بیشتر والدین و مربیان، برخی از علل و ریشه‌های لغزش در کودکان و نوجوانان را یادآور می‌شویم: ناآگاهی از زشتی عمل، ناکامی، فقدان عزت نفس و احساس حقارت، ترس از مجازات بزرگترها، عدم اعتماد به نفس، محرومیت‌های اخلاقی و اجتماعی، اعمال روشهای نامطلوب و خشونت‌آمیز، بی‌توجهی والدین به مسأله تربیت اخلاقی و دینی، بی‌تفاوت بودن والدین در احکام دین و رعایت نکردن حلال و حرام، تأثیر عوامل فرهنگی بیگانگان، آزادی‌های نامحدود توسط والدین و مسئولین فرهنگی و تربیتی، عدم نظارت صحیح والدین به رفت و

آمدهای خانوادگی، کنترل نکردن دوستان و روابط فرزندان، بد آموزی‌های وسائل ارتباط جمعی، بها ندادن به افراد تربیت یافته و درستکار، نقل کردن لغزش‌ها و انحرافات دیگر در حضور کودک (بدون اینکه توضیحی داده و عواقب خلاف کاری افراد خاطی را به جمع حاضر گوشزد کنیم) عادی جلوه دادن خلاف‌ها و ناهنجاری‌های جامعه و... می‌تواند زمینه ناهنجاری‌ها و رفتارهای نامطلوب را در کودکان و نوجوانان فراهم آورد.

امیر مؤمنان علی(ع) فرمود: «من کرمت علیه نفسہ لم یهینها بالمعصیة؛(5) آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد آن را با گناه و خطا پست و ذلیل نخواهد کرد.»

این سخن مولای متقیان اشاره به ریشه خطا در نداشتن عزت نفس و روحیه خودباوری در فرد دارد.

2- یادآوری غیر مستقیم

برای اصلاح رفتار نادرست می‌توان آن را به طور غیر مستقیم مطرح نمود در این حالت علاوه بر اینکه احترام و شخصیت فرد خطاکار محفوظ مانده است اشتباه او هم به وی تفهیم می‌شود. این شیوه اصلاحی برگرفته از روش تربیتی قرآن و اهل بیت(ع) است.

امام صادق(ع) فرمود: بسیاری از خطابات قرآن به عنوان سرزنش پیامبر اکرم(ص) نازل شده است ولی مقصود دیگران بوده‌اند.(6)

خداوند متعال به پیامبر(ص) می‌فرماید: اگر پدر یا مادر نزد تو به پیری رسیدند با آنان درشتی مکن!(7)

این در حالی است که رسول خدا(ص) پدر و مادرش را در دوران طفولیت از دست داده بود یا به حضرت عیسی(ع) می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان معبود غیر از خداوند انتخاب کنند!(8) در اینگونه موارد مقصود خداوند متعال دیگران هستند و پروردگار عالمیان به طور غیر مستقیم آنان را مورد خطاب قرار داده است. در سیره اهل بیت(ع) نیز شیوه یادآوری غیر مستقیم فراوان دیده می‌شود.

داستان آموزش وضو توسط حسنین(ع) به یک پیرمرد از طریق یادآوری غیر مستقیم صورت گرفت. آنان بدون اینکه به او جسارتی بکنند یا در مورد اشتباه وی سخنی به میان آورند خود وضوی کامل گرفته و او را به داوری طلبیدند و آن مرد به خطایش واقف شده و با جان و دل پذیرفت.(9)

3- تذکر شفقت آمیز

می‌توان خطاهای نوجوانان را در محیطی کاملاً دوستانه و بدور از خشونت و عصبانیت به آنان تذکر داد. قرآن کریم برخی از نصایح و مواعظ سودمند را از زبان دیگران بیان کرده است از جمله مواعظ پیر بار جناب لقمان حکیم به فرزندش را نقل می‌کند.(10) اما رعایت نکاتی تربیتی در امر نصیحت و موعظه ضرورت دارد:

الف - تا حد ممکن مخفیانه و در خلوت باشد. علی(ع) می‌فرماید: هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را آراسته ولی اگر آشکارا و در میان جمع عیوبش را متذکر گردد به شخصیت وی اهانت نموده است.(11)

ب - همراه با محبت و احسان باشد و همچنین فهرست عیبهای دیگری را پشت سرهم به فرد خطاکار نشمارد.

سیره امام صادق(ع) در این زمینه راهنمای بسیار خوبی برای ماست. آن حضرت هنگامی که متوجه شد شقرانی(فردی گنه کار و شرابخوار) نمی‌تواند از دربار منصور دوانیقی سهم خود را دریافت کند به آنجا رفت و سهم شقرانی را گرفت و به وی تسلیم نمود. آن حضرت بعد از پرداخت وجه با لحنی ملاطفت‌آمیز و مهربان، خطای وی را به او گوشزد کرده و فرمود: کار خوب از هر کسی خوب است ولی از تو به واسطه انتسابی که به ما اهل بیت

داری خوبتر و زیباتر است و کار بد از هر کسی بد است، ولی از تو به خاطر همین انتساب، زشت‌تر و قبیح‌تر است. امام صادق(ع) این جمله را فرمود و گذشت. شقرانی با شنیدن این جمله دانست که امام از سر او و گناهش آگاه است و از اینکه امام با این حال به یاری او شتافته و ابراز محبت نموده و با رفتاری کاملاً منطقی و پسندیده وی را به گناهش متوجه ساخت، شدیداً نزد وجدان خود شرمسار گشت و خود را ملامت نمود.(12)

ج - کوتاه، مختصر و ملایم: در نصیحت دادن و تذکر عیوب نوجوانان نباید طولانی سخن گفت و شیرینی و حلاوت نصیحت را از بین برد. امام کاظم(ع) فرمود: هر کس با سخنان زاید، شیرینی کلام خود را محو کند به نابودی عقلش اقدام نموده است.(13)

4- تقویت نیروی ایمان

تقویت نیروی ایمان و باورهای مذهبی کودکان تأثیر به سزائی در جلوگیری از خطاها و لغزشهای آنان دارد. این سخن حقیقتی انکارناپذیر است و در میان خانواده‌ها از دیرباز امری مسلّم و پذیرفته شده می‌باشد. تاریخ و تجربه نشان داده است افرادی که از اعتقادات عمیق مذهبی برخوردار بوده‌اند و به اصول و ارزشهای آن پایبندی خود را نشان داده‌اند معمولاً افرادی صالح و به دور از خطاها و مفسدات اجتماعی و انحرافات اخلاقی هستند. آنانکه به آیات قرآن، ایمان عمیق دارند و خود را در حضور خداوند عالمیان حس می‌کنند و به پیامهای آسمانی آن گوش دل می‌سپارند کمتر در معرض آلودگی‌ها و اشتباهات هستند. به همین جهت امام صادق(ع) فرمود: «بادروا احداثکم بالحديث قبل ان یسبقکم الیهم المرجئ»؛(14) نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید قبل از اینکه گروههای منحرف بر شما پیشی گیرند (و آنان را به انحراف بکشانند). امام مجتبی(ع) نیز در مورد تأثیر آیات قرآن فرمود: در این قرآن چراغ‌های هدایت و شفای سینه هاست برای هر عارف صاحب بصیرتی شایسته است که در پرتو نور آن به قلب خویش جلا دهد و هر نکته سنجی را رواست که دل خویش را به توسط قرآن مهار کند و تفکر در آن حیات بخش قلب‌هاست و کسانی که به دنبال آن می‌روند، مانند کسانی هستند که در تاریکی‌ها به سراغ نور می‌روند.(15)

اساساً ایمان مذهبی و علاقه به اعتقادات دینی و فطرت انسانها نهفته است والدین و مربیان می‌توانند با پرورش آن و جهت دادن به فطریات نوجوانان در شکوفائی این حس درونی آنان را یاری کرده و کودک را در مسیر تربیت سالم قرار دهند.

یکی از بهترین راه‌های تقویت ایمان مذهبی، ایجاد جوی مذهبی و فضائی جذاب در محیط زندگی و کودک و نوجوان می‌باشد. امام مجتبی(ع) هنگامی که به نماز برمی‌خاست بهترین لباسهای خود را می‌پوشید، پرسیدند: ای پسر رسول خدا! چرا در نماز بهترین و تمیزترین لباس خود را می‌پوشید؟ حضرت پاسخ داد: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و به همین جهت، من لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم و پروردگارم دستور داده است که: زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد برگیرید.(16) دوست دارم زیباترین لباسم را بپوشم.(17) این رفتار تربیتی امام حسن(ع) نشان می‌دهد که باید فضای عبادت جذاب و دوست داشتنی بوده و برای کودکان و نوجوانان که ناظر آن هستند دلنشین و خوشایند باشد. آن حضرت به مربیان می‌آموزد که هنگام نیایش مذهبی باید آراسته بود و با چهره‌ای گشاده با فرزندان برخورد شود. تا آنان خاطرات خوشی از این لحظات معنوی داشته باشد.

فرزندان نسبت به سنّ خویش نیازهایی دارند. گاهی این نیازها مادی و محسوسند که والدین با درك آنها در حدّ توان در رفع آن نیازها می‌کوشند. اما مهمتر از آن نیازهای معنوی فرزندان از قبیل محبت، تکریم، باور کردن شخصیت و استقلال آنان و توجه به خواسته‌های درونی می‌باشد. در صورت تأمین نشدن این خواسته‌ها در وجود فرزندان خلأ و کمبود به وجود می‌آید. هر انسانی هم که تمام یا بخشی از شاکله وجودی‌اش خالی بماند، به همان اندازه غیر طبیعی می‌شود و ممکن است به صورت غیر عقلانی عمل کند و دچار لغزش و خطا شود. پیامبر اکرم(ص) برخی از نیازهای فرزندان را اینگونه بیان کرد: آموزش کتاب خدا، یاد دادن تیراندازی و شنا(ورزش و تفریحات سالم) فراهم آوردن مال پاکیزه و حلال(18) برای آنان سرچشمه لغزش‌ها، ملالت‌ها و افسردگی‌ها خلأ روحی است، روان کودک را باید از خلأ نفرت، ملامت، و افسردگی، ناامیدی و نگرانی نسبت به خود و زندگی نجات داد. طوری که آدمی مجبور نباشد از خود و دیگران فرار کند. شایسته است روح و روان کودک را از اندیشه‌های سالم و جنبه‌های مثبت زندگی، از آگاهی‌های مورد نیاز فرد برای ادامه حیات پر نمود.

در جنگ جمل علی(ع) سلاح خود را به محمد حنیفه داد که در خط مقدم جنگ شتر عایشه را که در قلب لشکر دشمن قرار داشت کشته و کانون فتنه را خاموش کند، اما مدافعان و تیراندازان جبهه مخالف هیچگونه اجازه نفوذ برای محمد حنیفه را ندادند و او ناگزیر به مراجعت گردید. در این هنگام امام حسن(ع) با اجازه پدر به قلب دشمن تاخته و بعد از خاموش کردن کانون فتنه فاتحانه بازگشت.

محمد در این موقع از اینکه نتوانسته بود دستور پدر را اجرا کند احساس حقارت و شرمندگی کرد.

علی(ع) ك این خلأ روحی را در او مشاهده کرد محمد را مورد دلجوئی قرار داده و فرمود: پسر! ناراحت نباش اگر حسن فتح کرد او پسر رسول خدا (ص) است ولی تو فقط پسر من هستی!(19) یعنی او از دو منبع شجاعت الهام گرفته اما تو فقط از يك منبع.

6- شیوه منطق و استدلال

ممکن است برای اصلاح رفتار و تغییر روش‌های ناپسند، به دلیل و برهان عقلانی متوسل شویم. اگر ما به نوجوان خطاکار دلائل قانع کننده‌ای اقامه کنیم و او را از عواقب عمل زشت خود آگاه سازیم معمولاً از ما می‌پذیرد. اما گاهی والدین بدون اینکه متوجه باشند و علت ناپسندی و غلط بودن رفتار نوجوان را به او توضیح دهند با تحکم و استبداد می‌خواهند که او این عمل را ترك کند و بدون آگاهی دادن او را به تغییر رفتار وادار می‌سازند که معمولاً آثار خوبی هم ندارد و هیچگونه اصلاح و تغییری در رفتار متربی دیده نمی‌شود و گاهی خطای نوجوان شدت می‌گیرد.

علامه بزرگوار شیخ جعفر کاشف الغطاء در زمینه اصلاح رفتار فرزند خویش از همین شیوه بهره می‌گرفت. او زمانی که احساس کرد پسر نوجوانش به سحر خیزی عادت ندارد و از خواب شیرین صبحگاهی دیر بیدار می‌شود در یکی از روزها قبل از اذان صبح کنار بستر پسرش آمد و او را بیدار کرده و گفت: پسرم برخیز! تا به حرم مولای متقیان علی(ع) مشرف شویم. نوجوان چشمان خواب آلوده‌اش را مالیده و گفت: شما بروید و من هم می‌آیم.

پدر گفت: نه من ایستاده‌ام تا با هم برویم. نوجوان برخاست، وضو گرفت و به اتفاق پدر به سوی حرم مطهر روانه شدند. جلوی در حرم فقری نشسته و دستش را به سوی مردم دراز کرده بود. پدر از پسر پرسید: فرزندم! این مرد برای چه در اینجا نشسته است؟ گفت: برای گدائی و دریافت کمک از مردم. پرسید: فکر می‌کنی چقدر از این طریق بدست آورد؟ گفت: شاید چند درهمی عایدش شود. پرسید: آیا مطمئناً این مبلغ را به دست خواهد آورد؟ گفت:

به طور قطع و مسلّم نمی‌توان پیش بینی کرد، شاید مبلغی عایدش بشود و شاید هم دست خالی برگردد. پدر که زمینه را برای گفتن مطلب آماده دید، گفت: پسر! ببین این مرد فقیر، برای به دست آوردن يك مقدار منافع دنیائی احتمالی که یقین به آن هم ندارد در این هنگام شب این جا آمده و دستش را دراز کرده است. در حالی که ما واقعاً به ثواب‌هایی که خداوند متعال برای سحرخیزی و عبادات تعیین فرموده است یقین کامل داریم و گفته ائمه اطهار(ع) را به طور حتم باور کرده‌ایم پس چرا در انجام آن سستی نشان دهیم! (20)

از منظر فرهنگ و حیانی اسلام نیز بهره گرفتن از منطق و استدلال عقلانی امری مطلوب است. خداوند متعال در آیات بسیاری برای بیداری و آگاهی دادن به مردم غفلت زده از عقل و اندیشه آنان بهره می‌گیرد. تفکر، تدبّر، تعقّل از جمله اصطلاحات قرآنی است که بارها در این کتاب آسمانی بعد از گوشزد کردن خطای گنه کاران به آنان یادآوری می‌شود. خداوند در سوره ملك از زبان گنه کارانی که به جهنم و هلاکت کشیده شده‌اند می‌فرماید: «و قالوا لو كنّا نسمع او نعقل ما كنّا فى اصحاب الصّعير»؛ (21) می‌گویند: اگر ما سخن حق را می‌شنیدیم و یا اینکه می‌اندیشیدیم در میان اهل جهنم نبودیم. بنابراین متوجه کردن نوجوان خطاکار به تفکر و اندیشه در مورد عواقب اشتباه، می‌تواند در تغییر رفتار او تأثیر داشته باشد.

7 - تنبیه متناسب

تنبیه به معنای آگاه کردن است و هدف مربی از آن در برنامه‌های تربیتی، آگاه کردن فرد بر خطای خویشتن بوده و راه اصلاح آنرا در فرا روی وی قرار دادن است. در مواردی که پند و موعظه و آگاهی دادن به ضررهای لغزشها و سایر شیوه‌ها بی‌تأثیر باشد. می‌توان به عنوان آخرین شیوه برای تغییر رفتار از تنبیه مناسب با رعایت مراتب آن استفاده کرد. مرحله اول تنبیه توبیخ و تهدید است، البته تهدید باید طوری باشد که کودک و نوجوان آنرا جدّی تلقی کند و مربی قصد عملی کردن آنرا داشته باشد و گرنه نباید از آن سخنی به میان آید. اگر تهدید و توبیخ تأثیری نداشت با بی‌اعتنائی و قهر و غیره از عوامل بازدارنده می‌توان او را تنبیه کرد. مردی به حضرت موسی بن جعفر (ع) از لغزش و خطای فرزندش شکایت کرده و از آن حضرت راهنمایی خواست امام به وی فرمود: فرزندت را نزن و برای تنبیه و تأدیب وی از او قهر کن ولی مواظب باش قهر تو طولانی نشود. (22) تنبیه گاهی به عنوان عامل بازدارنده و در مواردی هم اگر بجا صورت پذیرد اثرات سازنده در برخواهد داشت در این صورت تنبیه علاوه بر اصلاح فرد خطاکار نسبت به دیگران جنبه عبرت آموزی نیز خواهد داشت. در صورتی که تنبیّهات غیر بدنی مؤثر واقع نشد لازم می‌شود کودک یا نوجوان خطاکار تنبیه بدنی شود.

امام صادق(ع) در این زمینه فرمود: در مورد کودکان خطاکار حدّ شرعی جاری نمی‌شود اما باید به نحو صحیح او را تأدیب نمود. (23)

8 - دعا برای اصلاح فرزندان

در آخر این نوشتار یادآور می‌شویم که به همراه اعمال شیوه‌های صحیح تربیتی و اصلاحی از نقش ارزنده دعا نباید غفلت‌ورزید چرا که در خواست اصلاح و راهنمایی برای کودکان و نوجوان از درگاه حق تعالی آثار و برکات فراوانی در زندگی آنان دارد. امام سجّاد(ع) در دعای 25 صحیفه سجّادیه برای تربیت صحیح و اصلاح رفتار فرزندان خویش اینگونه دعا می‌کند: اللّهم و منّ علیّ ببقاء ولدی و باصلاحهم لی و بامتاعی بهم؛ خدایا با بقای فرزندانم و اصلاح آنان و برخورداری من از آنان بر من منت بگذار. «و اجعلهم ابراراً اتقياً بصراء سامعین مطیعین لك ولا ولیائك

محبّین منا صحین ولجميع اعدائك معاندين و مبغضين، آمین؛ آنان را از نیکوکاران، پارسایان، تیزبینان، شنوای سخن حق و اطاعت کنندگان از خودت قرار ده و برای اولیای خودت عاشقان خیرخواه و از برای تمام دشمنانت آنان را ستیزه جو و کینه ورز گردان، خدایا دعایم را بپذیر. حجةالاسلام عبدالکریم پاک‌نیا

منبع: پاسدار اسلام شماره 281

پی‌نوشت‌ها:

1. فضیلت‌های فراموش شده، ص. 33.
2. تحف العقول، ص. 225.
3. مناقب، ج 3، ص. 19.
4. بحارالانوار، ج 75، ص. 111.
5. مستدرک الوسائل، ج 11، ص. 339.
6. اصول کافی، ج 2، ص. 63.
7. سوره اسراء، آیه. 23.
8. سوره مائده، آیه. 116.
9. بحارالانوار، ج 23 ص. 319.
10. سوره لقمان، آیات 13 تا 19.
11. بحارالانوار، ج 75، ص. 374.
12. همان، ج 47، ص. 349.
13. کافی، ج 1، ص. 17.
14. التهذیب، ج 8، ص. 111.
15. کشف الغمه، ج 1، ص. 573.
16. سوره اعراف، آیه. 31.
17. وسائل الشیعه، ج 4، ص. 455.
18. کنزالعمال، ج 16، ص. 444.
19. مناقب، ج 2، ص. 21.
20. تعالیم آسمانی اسلام، ص. 128.
21. سوره ملک، آیه. 10.
22. بحارالانوار، ج 23، ص. 114.
23. مستدرک الوسائل، ج 18، ص. 46.